

# ● قربانیان نقشه، نگاهی به شعر معاصر عرب

نویسنده: عبدالله العُدّری  
ترجمه: پروین اسلامی شعار

● شاعران بیش از رُمان نویسها  
در فرهنگ عامه تأثیر و نفوذ  
داشته‌اند و امروزه  
در کشورهای عربی آثار منظوم  
بیش از نثرهای ادبی  
چاپ و منتشر می‌شود و خوانندگان آنها  
بیشتر توده مردم‌اند.

شعر معاصر عرب، بویژه شعر متعهد آن، راه جهانی شدن را در آخرین منزلها سپری می‌کند. این بدان جهت است که شاعران امروز راه درست خویش را یافته‌اند و دانسته‌اند که اگر از جامعه عربیت به درآیند دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند و بزودی فرهنگ بی فرهنگی بر انسان چیره خواهد شد؛ در آن صورت آرمان حقیقی اعراب، که جدا از آرمان انسانهای رنج کشیده آمریکای لاتین و سایر نقاط محروم جهان نیست، برای همیشه پایمال خواهد شد.

در این راه افراد زیادی کوشیده‌اند تا فریاد ملت عرب را هر چه رساتر، به گوش جهانیان برسانند. عبدالله العُدّری یکی از این افراد است. او کتب زیادی به زبان انگلیسی درباره شعر معاصر عرب نوشته است و همواره سعی دارد شعر اصیل و متعهد عرب را معرفی کند. یکی از آخرین کتابهایش *Victims of a map* (ضحايا الخريطة) نام دارد که ما (من و آقای عبدالحسین فرزاد) آن را به عنوان قربانیان نقشه ترجمه کرده‌ایم. که ترجمه آن به زودی چاپ می‌شود و در اختیار دوستداران شعر مقاومت فلسطین قرار می‌گیرد از اینجا رشته سخن را به العُدّری می‌دهیم. او در مقدمه این کتاب می‌نویسد:



از روزگار پیش از اسلام تاکنون، شعر در زبان عرب، هنری وابسته به توده مردم بوده است. در تمام مدت تمدن کلاسیک اعراب در قرون وسطی، سالهای طولانی انحطاط عرب و در دهه‌های رویارویی با فرهنگ اروپایی در قرن بیستم، شعرا هرگز اعتبارشان را در افکار عمومی جهان عرب از دست ندادند. در دوران معاصر، شاعران بیش از رمان‌نویسها در فرهنگ عامه تأثیر و نفوذ داشته‌اند و امروز در کشورهای عربی آثار منظوم بیش از نثرهای ادبی چاپ و منتشر می‌شود و خوانندگان آنها بیشتر توده مردم‌اند. در این میان می‌توان از محمود درویش، سمیح القاسم، و آدونیس که در رأس قرار دارند، نام برد. بی‌تردید نام اینان در ردیف معروف‌ترین، پسرکارترین و مستبکرترین شاعران معاصر عرب قرار خواهد گرفت. کتاب حاضر در برگزیده پانزده شعر از هر یک از این شاعران است. اشعار عربی در صفحات سمت چپ و ترجمه انگلیسی آن در صفحات سمت راست آمده و همه این اشعار جدیداً برای این کتاب ترجمه شده است. سیزده شعر اول محمود درویش در نوامبر ۱۹۸۳، درحالیکه رزمندگان سازمان آزادیبخش فلسطین برای ترک لبنان آماده می‌شدند، سروده شده و نخست بار به صورت کتابی به زبان عربی چاپ شده است. آخرین شعر این مجموعه، بیابان، از آدونیس نیز نخست بار به زبان عربی در این جا آمده است. اشعار هر یک از شاعران یاد شده، همراه با شرح حال مختصری از آنها در این کتاب، ذکر می‌شود. از اطلاعاتی که در اینجا آمده و نیز از خود اشعار که رساتر از هر واقعیت دیگر از زندگی شاعر سخن می‌گویند، روشن خواهد شد که چگونه اکثر این آثار نه تنها سرنوشت اعراب فلسطینی‌ها، بلکه سرنوشت بشریتی را که در دام تراژدی معاصر گرفتار آمده، بیان می‌کند. شعر معاصر عرب در مقابل آشننگی‌ها و ناپسانمانیهای دنیای عرب قد برافراشته است.

چنانکه تنها ظرف سالهای پس از جنگ جهانی دوم، پنج جنگ اعراب و اسرائیل، جنگهای داخلی یمن و لبنان، قربانی شدن‌های مکرر مردم فلسطین و زدوخوردهای نظامی در بیش از شش کشور را بخود دیده است. با همه این احوال مردم عرب به شعرا چشم دارند تا الهامات خود را از زبان آنان بشنوند. گویای این مطلب شعر مقاومت محمود درویش و سمیح القاسم است که هنر شاعری آنان باعث بروز تراژدی محلی در سطح جهانی شده است.

تکامل شعر عرب نیز در اثر تغییرات عمیق پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد انتشار دو شعر نمونه از شاعران عراق در سال ۱۹۴۷ مفهوم واقعی شعر مدرن عرب را بنیاد نهاد و در سال ۱۹۵۷ شاعر لبنانی، یوسف الخال و آدونیس، مجله شعر را به راه انداختند که آغازگر فصلی تازه بود و از هم پاشیدن سبک کلاسیک در شعر عرب و پیدایش شعر نو را در پی داشت. نقش آدونیس در این تحول ادبی عمده است...»

\* \* \*

چنانکه دیدیم العُدَری اشعار این سه شاعر (درویش، قاسم، آدونیس) را با شرح حال مختصری از هر یک آورده است. ما نیز در این معرفی برای نمونه یکی دو شعر از این سه شاعر ازجمله را با شرح اندکی از زندگی آنها می‌آوریم:

#### محمود درویش

در سال ۱۹۴۲ در دهکده‌ای در فلسطین چشم به جهان گشود. خیلی زود به شعر علاقه‌مند شد. هنگامی که نوجوان بود در جشن تأسیس اسرائیل جدید، شرکت کرد و شعری خواند که باعث دستگیری او گردید. این شعر فریاد دادخواهانه پسر بچه‌ای عرب به پسر بچه‌ای یهودی است:

#### ● تکامل شعر عرب نیز در اسر

#### تغییرات عمیق پس از

#### جنگ جهانی دوم ظاهر شد.

#### انتشار دو شعر نمونه از شاعران عراق

#### در سال ۱۹۴۷ مفهوم واقعی

#### شعر مدرن عرب را بنیاد نهاد.

«تو می‌توانی در زیر آفتاب هر طور که مایلی بازی کنی و اسباب بازیهای خودت را داشته باشی، اما من نمی‌توانم. سوخانه و کاشانه‌ای داری، اما من ندارم سو جشن و سروری داری اما من ندارم... چرا نمی‌توانیم با یکدیگر بازی کنیم!»

درویش تا سال ۱۹۷۱ در حيفا بعنوان روزنامه‌نگار کار می‌کرد. در آن سال به بیروت رفت و تا سال ۱۹۸۲ در آنجا ماند. او اکنون در پاریس ویراستار مجله کرمل است.

محمود درویش ده مجموعه شعر منتشر کرده است. در سال ۱۹۶۹ جایزه لوتس Lotus و در سال ۱۹۸۳ جایزه صلح لنین به او اعطا شد. از اشعار او در این مجموعه است:

زمین بر ما تنگ گرفته است

زمین بر ما تنگ گرفته است و ما را به آخرین گذرگاه می‌راند

بایستی از اندامهامان چشم ببوشیم تا بتوانیم ازین معبر باریک بگذریم

زمین ما را به سختی می‌فشارد

ای کاش گندم بودیم تا پس از مرگمان رویشی باشد!

ای کاش زمین، مادرمان بود و برایمان دل می‌سوزانید!  
 ای کاش نقش‌هایی بر صخره‌ها بودیم که رؤیاهامان با خود داشت!  
 ای کاش آینه بودیم  
 و می‌توانستیم چهره‌های آنها را ببینیم،  
 آنها که به دست آخرین مدافع ما کشته خواهند شد.  
 برجشن کودکان خود گریستیم و دیدیم چهره کسانی را که کودکان ما را از پنجره‌های این آخرین فضا، به بیرون برتاب می‌کنند...  
 ما نامهامان را بادمه‌ای سرخ‌رنگ خواهیم نوشت

و سرود را دست از تن جدا می‌کنیم  
 تا گوشت تن‌هامان آنرا کامل کند  
 ما اینجا خواهیم مرد. اینجا در این آخرین گذرگاه  
 اینجا یا اینجا  
 خون ما زیتونش را خواهد کاشت.

### سمیح القاسم

در ۱۹۳۹ در خانواده‌ای دروزی در اردن متولد شد.  
 او می‌گوید تنها به وسیله شعر است که می‌توانم خود را بشناسانم.  
 در سی سالگی شش مجموعه شعر منتشر کرد. وی تا ۱۹۸۴، ۲۴ کتاب شعر سروده است. در انتشار دو مجله الاتحاد والجدید با دیگران همکاری می‌کرد. او شعر خود را مرتباً در میان دهکده‌های عربی جلیله می‌خواند و نه تنها به عنوان شاعر بلکه به عنوان روزنامه‌نگار فعال بود، او اکنون به روزنامه‌نگاری اشتغال دارد. از اشعار او در این مجموعه است:  
 فرزندان جنگ  
 در شب عروسیش؛ او را به جنگ بردند  
 و پنج سال سخت... گذشت

روزی که بر روی برانکاری خونین بازگشت  
 سه فرزندش!  
 او را در بندر ملاقات کردند.

\*\*\*

پایان مشاجره با زندانبان  
 از روزنه سلول کوچک می‌توانم ببینم:  
 درختان را که بهمن لیخند می‌زنند  
 و جاهایی را که همشهریانم ازدحام کرده‌اند  
 و پنجره‌هایی را  
 که برای من دعا می‌کنند و می‌گیرند  
 از روزن سلول کوچکم.  
 می‌توانم سلول بزرگ ترا  
 ببینم...

### آدونیس

آدونیس (علی احمد سعید) در سال ۱۹۳۰ در یکی از روستاهای سوریه متولد شد. هنگامی که چهارده ساله بود شعری خواند که مورد پسند رئیس‌جمهور واقع شد و بودجه‌ای در اختیار او گذاشت تا به تحصیلاتش ادامه دهد.

در سال ۱۹۷۳ به‌خاطر اشعار، نوشته‌های انتقادی و منتخبات نظم و نثر به او دکترای سنت جوزف اهدا شد. شعر و نقد آدونیس تأثیر گسترده‌ای در تغییر و تحول شعر عرب داشته است. در حقیقت او زبان و ریتم شعری جدیدی آفرید که عمیقاً ریشه در شعر کلاسیک دارد، اما وضع و حالت و واکنش‌های جامعه معاصر عرب را نشان می‌دهد. آدونیس فرم کلاسیک قطعه را زنده کرد و تفسیر شکل داد. نقش آدونیس در شعر عرب به‌نقش عزرا پائوند و الیوت در شعر انگلیس و آمریکا، شبیه است. اشعار زیر از آدونیس در این مجموعه آمده است:

### آینه دژخیم

هان گفتمی که شاعری؟!  
 از کجا می‌آیی که پوست تنت را این گونه

لطیف می‌یابم!  
 جلاد! صدایم را می‌شنوی؟  
 سرش را به تو می‌بخشم.

بگیرش!

اما پوستش را بهمن ده  
 زنه‌ار! خراشی نیابد  
 پوستش برایم پربهاست.  
 شاعر!  
 پوستت زیر اندازم خواهد بود  
 زیباتر از مخمل.  
 هان گفتمی که شاعری!

\*\*\*

آینه قرن بیستم  
 تابوت

چهره کودک را می‌پوشاند  
 کتاب  
 بر احشاء کلاغان نوشته می‌شود  
 دیو و ددی با شاخه گلی به پیش می‌آید  
 صخره  
 در ریه‌های دیوانه‌ای نفس می‌زند:  
 خودش است خودش  
 قرن بیستم

بی‌نوشت‌ها:

۱ - عزرا پائوند یا از پائوند (لومیس) (۱۸۹۵ - ۱۹۷۲) شاعر آمریکایی که پس از سیاحت در برخی کشورهای اروپا در انگلستان سکنی گزید. وی در آغاز سر دسته ایمازیست‌ها (تصایر گراییان) بود. از اشعار معروف او منظومه‌های کانتوس است که در آنها افسانه‌های مشرق زمین و تروبادور (اشعار محلی جنوب فرانسه در قرون وسطی) و غیره را درهم آمیخته است. پائوند از شاعران پرکار بود. او به‌شاعران جوان کمک‌های مادی و معنوی می‌کرد.